

به اضافه مردم

ده اصل اساسی برای کار فرهنگی

نویسنده:

روح الله رشیدی



مجلس شورای اسلامی

فهرست

۷ مقدمه

اصل اول: مردم محوری

- ۱۶ ۱. مرحله طراحی و ایده پردازی
 ۲۰ ۲. مرحله تولید یا اجرا
 ۲۳ ۳. عرضه و توزیع
 ۳۲ ۴. مرحله مصرف

اصل دوم: مشارکت پذیری حداکثری

- ۴۵ مشارکت چه برکاتی دارد؟
 ۴۶ در مشارکت دادن و تقسیم کار، چه نکاتی را رعایت کنیم؟

اصل سوم: گروه محوری

- ۵۲ تشکیل گروه، چه ثمراتی دارد؟

اصل چهارم: هنر محوری

- ۵۹ هنر به عنوان یک ابزار یا هنر به عنوان روح کار؟
 ۶۰ اهداف هنر محوری
 ۶۳ الزامات هنر محوری

اصل پنجم: عملیات محوری

- ۶۹ دستورالعمل نوینِ تشکل سازی!
 ۷۲ عملیات محوری و مسائل ما
 ۷۸ عملیات ها از کجا می آیند؟

اصل ششم: کار اجتماعی به جای کار جمعی!

۱. امر فردی ۸۴
۲. امر جمعی ۸۴
۳. امر اجتماعی ۸۵

اصل هفتم: فرصت محوری

- چطور شد این طور شدیم؟ ۹۲
- کارکردهای تهدید محوری: ۹۳
- چگونه از تله تهدید محوری خلاص شویم؟ ۹۴
- ارزشمندتر از پول ۹۷

اصل هشتم: مسجد محوری

- «هویت مسجدی» در کار فرهنگی یعنی چه؟ ۱۰۴
- روشنفکر بازی در نیاوریم! ۱۰۵
- یک آسیب درون مسجدی ۱۰۸

اصل نهم: اولویت محوری

- سطح اول: ضرورت ها ۱۱۴
- سطح دوم: اولویت ها ۱۱۴
- سطح سوم: فوریت ها ۱۱۵

اصل دهم: عدالت محوری

- سطوح عدالت محوری ۱۲۱
- کار فرهنگی چگونه می تواند عدالت محور باشد؟ ۱۲۳

ضمیمه: یادواره شهدا

- یادواره هایی که فقط اسمشان «محلی» است! ۱۳۰
- چگونه می توان محلی بودن یادواره را تقویت کرد؟ ۱۳۰
- خانواده شهدا، در حاشیه یادواره شهدا! ۱۳۳
- به فکر تولید محصول فرهنگی باشیم ۱۳۴
- یادواره شهدا را محل جلوه فروشی مسئولان نکنیم ۱۳۵
- بدون پول هم می شود! ۱۳۶
- چه باید کرد؟ ۱۳۷

مقدمه

چهل سال از پیروزی انقلاب اسلامی گذشت. یک چله پرفرازونشیب را پشت سر گذاشتیم و حالا آماده‌ایم تا گام دوم را برداریم؛ بلندتر و امیدوارانه‌تر و پرفروغ‌تر از چهل سال نخست. مسائل و دغدغه‌های پرشماری در گام جدید داریم، اما مسائل حوزه «فرهنگ» چیز دیگری ست. تعارف که نداریم؛ پایه انقلاب اسلامی، فرهنگ بوده است. با تغییر در این زمینه بود که آن انقلاب بزرگ به ثمر نشست. بعد هم که لشکر شیاطین دست به کار شد تا پشت این انقلاب را به زمین بزند، فرهنگ برآمده از انقلاب اسلامی بود که اندیشه و عمل ما را شکست‌ناپذیر کرد. به یاد بیاورید دهه سختِ شخصت را. از زمین و آسمان، فشار و نامردی بود که بر سر ملت ایران می‌بارید. هشت سال نبرد نابرابر، همه کشور را درگیر خود کرده بود. آن حجم از سختی و مضیقه، حتی به اندازه یکی دو ماه، کافی ست تا ملتی را از پای درآورد. پس ما چرا شکست نخوردیم؟ چرا واندادیم؟

پاسخش روشن است؛ اگر لشگری از فرزندان خالص ملت، در

خطوط رزم، سینه سپر کرده بودند و برای حفظ عزت اسلامی مان خون می دادند، در پشت جبهه ها نیز، لشگر عظیمی از همین مردم با ساماندهی هسته های فرهنگی، مشغول مقاومت بودند. به یاد بیاوریم مساجد و مدارس و دانشگاه های آن دوره را. آن جوش و خروش و همت و اهتمام بود که نمی گذاشت شیرازه های جامعه از هم بپاشد. هر جا می رفتی نشانه ای از کاری فرهنگی را می دیدی که توسط خود مردم طراحی و اجرا می شود. گروه های سرود و تئاتر در مساجد و مدارس، نمایشگاه های عکس و طراحی و نقاشی و کاریکاتور، تشیع های پرشکوه شهدا، گروه های مردمی پشتیبانی از جنگ و... همه و همه زنجیره مقاومت فرهنگی را شکل داده بودند. آن ها نه تنها در برابر شعبده های فکری و فرهنگی دشمن مقاومت می کردند، بلکه در موضع تهاجم به دشمن هم بودند!

خلاصه اینکه ما با همان طراحی های ساده و کم هزینه، توانستیم از چنان معرکه سختی با سربلندی بیرون بیاییم. بعد از جنگ چه اتفاقی افتاد و چه کردیم با داشته های فرهنگی انقلاب و سراز کدام ناکجا آباد درآوردیم، فعلاً بماند!

بیایید نگاهی به امروزمان داشته باشیم. چه می بینیم؟ باز هم فشار و نامردی و حمله و ویرانگری و سیطره جویی دشمن. آیا کسی در این شک دارد؟ اگر شک دارد چشم هایش را بشوید و عرصه دنیا را دوباره ببیند. در این گیرودار، ما هم ایستاده ایم؛ اما انصافاً به سختی ایستاده ایم. شکست نخورده ایم، اما هزینه های زیادی پرداخته ایم. چرا؟ چون هنوز قدر سرمایه های ارزنده خودمان را نمی دانیم. هنوز حال و مجال بازخوانی تجربه های موفق انقلاب اسلامی را در حوزه فرهنگ نیافته ایم. اصلاً خیلی از ماها نمی دانیم که چنین تجربه هایی وجود دارد و می شود از آن ها بهره گرفت. آیا معنای این حرف این است که برگردیم به دهه شصت و کارهای آن دوره را موبه موی تکرار

کنیم؟ نه. وقتی صحبت از تجربه‌های انبوه و موفق یک ملت به میان می‌آید، درواقع داریم از شیوه‌ها، روش‌ها و الگوها حرف می‌زنیم؛ داریم از قواعد و اصول کار فرهنگی حرف می‌زنیم. چرا بازخوانی و بازشناسی آن اصول و قواعد مهم است؟ چون امروز مشخص‌ترین نشانه مدیریت فرهنگی جامعه ما این است که همگی کاسه «چه کنیم؟ چه کنیم؟» دستمان گرفته‌ایم و مات و مبهوت نشسته‌ایم و داریم یکه‌تازی دشمن را در عرصه فرهنگ تماشا می‌کنیم. ادعای می‌کنیم که «نمی‌دانیم چه کنیم»! و کاش فقط ادعای کردیم که نمی‌دانیم چه کنیم؛ گاهی پا را حتی فراتر می‌گذاریم و مدعی می‌شویم که «انقلاب اسلامی هیچ طرحی برای کار فرهنگی ندارد»! با همین یک ادعا، نسل‌های با استعداد و مؤثر خود را کت بسته تسلیم آغیار می‌کنیم و خودمان هم به مرثیه‌سرایی برای این نسل سوخته مشغول می‌شویم.

با همین تصورات است که مساجد و مراکز فرهنگی را به امان خدا رها کرده‌ایم و هیچ بهره‌ای از آن‌ها نمی‌بریم. برخی پایگاه‌های بسیج، که روزگاری قلب تپنده هر محله بودند و همانند یک چشمه، عطش نوجوان‌ها و جوان‌ها را فرومی‌نشانند و نسل‌هایی پاک و کارآمد را تحویل جامعه می‌دادند، از آن بالندگی دور شده و به روزمرگی دچار شده‌اند. آیا نمی‌توان براین وضعیت غلبه کرد و دوباره به روزهای اوج کار فرهنگی انقلابی برگشت؟

قطعاً می‌توان؛ و البته راهی جز این هم نداریم وگرنه کلاهمان پس معرکه است. اقتضائات دوره جدید را اگر به عزم و اراده مضاعف دشمنان انقلاب اسلامی اضافه کنیم، خواهیم دید که با وضعیتی به مراتب خطرتر از دهه شصت مواجهیم. فراگیر شدن استفاده از رسانه‌های تصویری و مجازی، سرعت تغییرات فرهنگی را به شدت افزایش داده است. در چنین وضعیتی، نمی‌توان ساده‌انگارانه دست روی دست گذاشت و نظاره‌گر منفعل میدان بود. باید بلند شد و حرکت کرد. دست‌انگیزه‌هایی مانند «نمی‌دانیم چه کنیم» را

هم باید کنار گذاشت؛ این تصور را هم که «انقلاب برای کار فرهنگی، طرح و قاعده‌ای ندارد» باید دور انداخت.

در این نوشتار، به استناد تجربیات ارزنده تاریخ انقلاب اسلامی، تلاش کرده‌ایم برخی اصول و قواعد کار فرهنگی را مرور کنیم. این قواعد را در قالب «ده اصل» آورده‌ایم. طبعاً حرف‌های بهتر و بیشتری در این زمینه وجود دارد. به‌ویژه کسانی که خود از بنیان و عاملان کار فرهنگی در چهل سال گذشته بوده‌اند، می‌توانند این ایده‌ها را کامل‌تر نمایند. این اصول ده‌گانه، اگرچه از هم جدا هستند، اما عملاً در دل هم قرار دارند. درواقع ما با یک منظومه نظری و عملی مواجه هستیم. هر اصل به طریقی به اصل دیگر مرتبط است، بنابراین نگاه نقطه‌ای و جزئی به آن، چندان مفید نخواهد بود.

توجه داشته باشید که مثال‌های ذکرشده در این مجموعه، همگی از خاطرات و تجربه‌های عینی افراد گرفته شده‌اند.

امیدواریم این مجموعه بتواند در جهت بازسازی حرکت فرهنگی نیروهای انقلاب اسلامی، به کار بیاید. نظرات اصلاحی و تکمیلی مخاطبان ارجمند، برای ما غنیمت است. از انتقال نظرات خود دریغ نفرمایید.